

## زرتشت بهرام پژدو

بقلم آقای دکتر محمد معین

۱

زرتشت پور بهرام از گویندگان سده هفتم هجریست و اشعار او از جهات ذیل مورد توجه و شایان اهمیت است :

- ۱ - وی نخستین گوینده مسلم زرتشتی است<sup>۱</sup> که از او آثار مهمی به ما رسیده<sup>۲</sup>
- ۲ - نبشته های وی بر همه آثار زرتشتیان ایران و هندوستان<sup>۳</sup> ( از نظم و نثر ) بر تری دارد .
- ۳ - موضوع تصنیفاتش ، بخشهای دلکشی است از ادبیات مزدیسنا<sup>۴</sup> و بویژه مشتمل است بر داستان زردشت پیامبر ایران

از احوال این گوینده بدرستی اطلاعی در دست نیست ، بمناسبت زرتشتی بودن او و اشتغال آثارش بر مباحث دینی و داستانهای مزدیسنا در میان ایرانیان مسلمان شهرتی نیافته است معینا آنچه در باره وی از اشعارش استنباط میشود در ذیل نقل میکنیم :

نام او زرتشت و اسم پدرش بهرام و نام جدش پژدو میباشد :

بگیتی و بمینو دار نیکو	دل زرتشت بن بهرام پژدو <sup>۵</sup>
کنون زرتشت بن بهرام پژدو	بیادر شرح حال و قصه بر سو
که زرتشت بهرام بن پژدو ام	یکی یادگاری از آن هر دو ام <sup>۶</sup>

پدرش ، بهرام پور پژدو ، چنانکه از این بیت زرتشت برمیآید :

ادیب<sup>۷</sup> وهیر بد بود و منجم دری | و اهلوی خوان بود و عالم  
شاعر نیز بود و اشعارش در جزو آثار پسرش زرتشت بعنوان بهاریات<sup>۸</sup> ، در برخی

- 
- ۱ - در صورتیکه دقیقی زرتشتی کامل تصور نشود .
  - ۲ - پدرش بهرام پژدو نیز ، چنانکه بیاید شاعر بود ولی آثار مهمی از او نمانده .
  - ۳ - که شرح آنها در همین مقاله بیاید
  - ۴ - اردای ویر افنامه منظوم .
  - ۵ - زراتشت نامه منظوم .
  - ۶ - طیب ن.ل.
  - ۷ - بهمین نام خوانده شده !

از نسخ ارداویرافنامه ثبت است .

بهاریات بهرام پژدو منظومه ایست در توصیف بهار و اثبات اینکه نشاط زندگی از تمتع معتدل حاصل میشود منظومه مزبور با این بیت آغاز میشود :

بدینجا چون رسانیدیم گفتار جهان شد چون بهشت از صنع دادار  
بایان کتاب مویده آنست که منظومه وی در چهاردهم اسفندارمذ سال ۱۲۲۶ یزدگردی  
(مطابق سال ۱۲۵۷ میلادی) بانجام رسیده .

بروز گوش ۲ اسفندارمذ ماه ز کار یزدگرد ، آخر شهنشاه  
گذشته سال ششصد بیست باغش شد این قصه تمام ای مرد باهش  
در فرهنگ انجمن آراء آمده است : « زرتشت بهرام یکی از شعرای قدیم است  
که از امتان زردشت بوده و حالات او را منظوم نموده و از اهل یزده (۱) بوده و یزده  
از قرای اصفهانست و درین کتاب گاهی از ابیات او شاهد آورده شده .  
پیدااست که رضا قلی خان هدایت مؤلف فرهنگ مزبور ، نام جد زردشت ، پژدو را  
باقریه مذکور ، یزده خلط کرده است .

زرتشت بهرام در منظومه (داستان شاهزاده ایران و عمرین خطاب)  
ز همان شاعر سلطان محمد خوارزم شاه را نام میرد :

محمد نام او خوارزمشاهست ز اول کینه جوی و رزمخواهست  
و او را آخرین پادشاه مسلمان محسوب میدارد و پس از او از بزرگان و امرای  
ایران نامی نیبرد و این خود دلیل است بر اینکه وی در اوایل فتنه مغول میزیسته و نیز گردنکشان  
آن عهد را بدون ذکر اسم بنام « ترکان خونخوار » میخواند و چند بار آنانرا به « خطا »  
نسبت میدهد :

عرب را فخر بر شه شیر تیزست ز شه شیر « خطا » شان رستخیزست  
مراد از « ترکان خونخوار » و اهل « خطا » همان مغول میباشد — شاعر  
در ضمن اشعار خود از ظلم و جور این گروه سخن میراند و میگوید آنان بهر جا راه یافتند  
در اندک مدتی ویرانش کردند .

۱ — ذکر آن در همین مقاله بیاید .

۲ — از این بیت پیدااست که ناظم پیش از آن ابیاتی بهین وزن سروده بود که  
بنا نرسیده است

۳ — روز چهاردهم از هر ماه

۴ — ذیل کلمه ( زردشت )

• — مراد فرهنگ انجمن آرای ناصرست .

چنانکه میدانیم حمله چنگیز بکشور های خوارزمشاهی در سال ۶۱۶ آغاز شد سلطان محمد خوارزمشاه در شوال سال ۶۱۷ در جزیره آبسکون جان تسلیم کرد<sup>۲</sup> زرتشت بهرام در برخی از اشعار خود از خرابیهای مولد خویش گفتگو میکند و بر طبق عقیده محققان منظور از آنها شادید و مشقاتی است که بشهر ری وارد شده<sup>۳</sup> در منصورت ملاک دیگری جهت تحدید زمان شاعر بدست میآید:

مغول بریاست جبه و سبتای مأمور تعاقب سلطان محمد شدند. سبتای از شاهراه دامغان و سمنان برای نخستین بار بری آمد و جبه طریق مازندران را اختیار کرد و بعد از غارت بلاد آنسرزمین بویژه آمل بری رسید - در ری مغول شنیدند که خوارزم شاه از همدان حرکت کرده عازم مازندرانست بهمین جهت پس از قتل و غارت ری بشتاب تمام بسمت همدان عزیمت کردند<sup>۴</sup> - و این نخستین خرابی بود که بری وارد آوردند (سال ۶۱۷ هجری)

بار دوم لشکر کشی مهم مغول بری و حوالی آن، پس از مرگ چنگیز (رمضان سال ۶۲۴) یعنی در زمان سلطنت اگتای قاآن (۶۱۶ - ۶۳۹) انجام گرفت - با مردی سپاهی بفرماندهی جرماغون نویان با ۱۰۰۰۰۰ تن بایران آمده و از راه اسفراین وری عبور کرد و خود را بمرآق رسانید و آن واقعه بسال ۶۲۶ اتفاق افتاد.

و نیز زراتشت بهرام در اشعار خود گوید بیدادی که تازیان نسبت بایران داشتند سزای آنرا از «ترکان» میبینند. و ظاهراً مقصود وی حمله هولاکو بغداد و قتل مستعصم آخرین خلیفه عباسی و انقراض دولت عباسیان و یا لا اقل پیش بینی واقعه مزبور بنا بر مقدماتی که تهیه شده بود، میباشد.

مغول نخستین بار در ربیع الاخر سال ۶۴۳ باطراف بغداد رسیده بودند ولی هنوز مستقیماً شهر مزبور مورد تهدید واقع نشده بود - و هولاکو در پایان سال ۶۵۱ بسوی ایران حرکت کرد و بغداد را بسال ۶۵۶ فتح نمود و مستعصم آخرین خلیفه عباسی (۶۵۵ - ۶۵۶) را در همانسال بکشت<sup>۵</sup>

از طرف دیگر زرتشت بهرام سال ۶۴۷ را تاریخ اتمام زراتشت نامه خویش ذکر

۱ - تاریخ مفصل ایران تألیف استاد محترم آقای اقبال ص ۲۵

۲ - همان کتاب ص ۱۴۰

۳ - مقتبس از یادداشتهای استاد ارجمند آقای پور داود

۴ - تاریخ مفصل ایران ص ۳۹

۵ - همان کتاب ص ۱۳۶

۶ - از جمله بیت مسطور در فوق: عرب را فخر.....

۷ - تاریخ مفصل ایران ص ۱۷۱

۸ - همان کتاب ص ۱۷۸ - ۱۹۱

میکند و این تاریخ مطابق است با سال ۶۷۷ هجری و ۱۲۷۸ میلادی - بنا برین میتوان گفت که شاعر مزبور در عهد هولاکو ( بسال ۶۵۳ بایران آمد - و بسال ۶۶۳ وفات یافت ) و پسرش اباقاخان ( بسال ۶۶۳ جلوس کرد و در ۶۸۰ وفات یافت ) میزیسته است .  
 در پایان نسخه خطی منظومه ( زرتشت نامه ) که در موزه بریتانیا ۲  
**مولد و موطن وی** موجودست ناسخ کتاب چنین نوشته است : ناظم کتاب زرتشت نامه نیز زرتشت نام داشته و اسم پدرش بهرام و در بلده ری ساکن و در سنه ۵۴۷ یزدجردی این کتاب نظم نموده است »

و نیز چنانکه در همین مقاله بیاید، کیکاوس پور کیخسرو موبد که موضوع زراتشت نامه را بناظم القاء کرد از شهر ری بود - رزبرک برخی از اشعار او را که درباره خرابی های مغول است اشاره بقتل و غارت وی دانسته است .<sup>۲</sup>

وست<sup>۴</sup> نویسد : زرتشت نامه... سراینده آن زرتشت بهرام پژدو از وی قدیم میباشد « از سوی دیگر ، چنانکه استاد محترم آقای مالك الشعراء بهار در مقاله ( خط و زبان پهلوی در عصر فردوسی ) مرقوم داشته اند<sup>۶</sup> :

« خود او<sup>۷</sup> در مقدمه ارذای ویرافنامه گوید : نامم زردشت است و پدرم بهرام پسر پژدوست گوید... ما از مردم خواف از قصبه بیژن آبادیم که در زمان کیخسرو آباد شده است » بنا برین در صورت عدم تصرف نساخ ، باید تصور کرد که خاندان شاعر اصلاً از خواف بود ولی خود وی در ری سکونت داشته است .

**احساسات شاعر** زرتشت بهرام بدین مزبسن بسیار علاقه مند و در آن آئین متعصب بود و غالباً عهد آبادی حکومت زرتشی را در قدیم و خرابی ایران را پس از انقراض دولت زرتشتیان یاد کرده است :

چرا باید گمانت در دل ایدوست      که دینت خوب و پاک و نغز و نیکوست...  
 ز بهدینان جهان گشته است آباد      ز دروندان خرابی هست و بیداد...  
 جهان بد چون بهشت آباد زیشان      کدو گشته است چون دوزخ پریشان  
 و بارها در ضمن اشعار خود از خداوند خواستارست که بهرام ور جاوند، یعنی

۱ - که شرح آن بیاید

۲ - British museum

۳ - زراتشت نامه چاپ پترزبورگ - مقدمه بزبان فرانسه ص ۳۱

۴ - West

۵ - Grundriss .S.122

۶ - فردوسی نامه مهر ص ۴۹۸ - ۵۰۰

۷ - زرتشت بهرام

۸ - مراد زرتشتیانست ( در برابر موبدان که بروحانیان اطلاق میشود )

۹ - پیروان کیش اهریمنی - دروغ پرستان

بادشاهی را که پیش از ظهور سوشیانت (موجود زرتشتی) باید بیاید، زودتر برانگیزد و پس از تیرگی اهریمن که جهان را فرا گرفته دیگر بار عهد داد و انصاف پدید آید.

### آثار زرتشت بهرام

با آنکه همواره زرتشتیان با آثار زرتشت بهرام توجه و علاقه داشتند معینا تا کنون کلیات اشعار او در کتابی تدوین نگردیده است فقط در ضمن کتب روایات اشعاری از وضعیت شده و قسمتی از آنها نیز در کتابخانه های اروپا و هندوستان محفوظ است. آثار شاعر مزبور بقرار ذیلست :

**زراشت نامه** تنها تصنیف شاعر که تا کنون بوضع مرغوب بچاپ رسیده همان (زرتشت نامه) است که فریدریک روز نبرک! از روی پنج نسخه خطی تصحیح و بفرانسه ترجمه کرده و با یادداشت های فاضلانه آراسته است.<sup>۲</sup> خاورشناس مزبور مینویسد: در کتابخانه عمومی اروپا، تا آن اندازه که من آگاهی دارم نه نسخه از منظومه زرتشت نامه موجود است: یک نسخه در بطرزبورگ - سه نسخه در کتابخانه ملی پاریس - دو نسخه در موزه بریتانیا - دو نسخه در بودلین<sup>۳</sup> (کتابخانه ایست در اکسفورد)؛ و یک نسخه در کتابخانه مونخن<sup>۴</sup> - ازین میان بویژه، نسخه کتابخانه دولتی بطرزبورگ که مورد استفاده ناشر قرار گرفته بسیار نفیس میباشد و آن جنگی است که به دست سکا تب در بخارا، میان سالهای ۱۰۶۴ - ۱۰۶۶ هجری نوشته شده و بمجموع آن سفینه نام «عطارد؟ عطارد» داده شده است.

Frederic Rosenberg - ۱

Bodleienne - ۲

Oxford - ۳

Munchen - ۴

رجوع شود به :

Yransches Namenbuch von Yusti. s : 387

۵ - در صفحات ۱ - ۱۲۰ سفینه فوق مظهر المعجائب منسوب ببطار نوشته شده. در صفحات ۱۲۱ - ۱۴۱ صد در منظومه ملکشاه را که در اسفند ماه سال ۸۶۴ یزدگردی مطابق سال ۱۴۹۴ میلادی (و ۹۰۰ هجری) انشاء شده نگاشته اند. این منظومه تا تمام است و پس از آن در صفحات ۱۴۱ - ۱۵۹ زراشت نامه منظومه زرتشت بهرام و در صفحات ۱۶۰ - ۳۲۲ اردا ویرافنامه<sup>۵</sup> او را ثبت کرده اند - از صفحه ۴۲۳ تا پایان کتاب (ص ۵۱۲) مجدداً رسالات عطارد ثبت شده ازین قرار، بلبل نامه - منطق الطیر - جواهر نامه - رباعیات - گل و خسرو.

۶ - بیت ۱۵۲۰ از چاپ روزنبرگ